

تعویق حقوق شخص «تحت نظر» در حقوق کیفری ایران و فرانسه

بابک پورقهرمانی^۱، جعفر عباس‌نژاد^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۲۳

از صفحه ۵۷ تا ۸۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۱۵

چکیده

هدف این مقاله بررسی تعویق حقوق شخص تحت نظر و مطالعه تطبیقی این حقوق در نظامهای کیفری ایران و فرانسه است. مقاله به لحاظ هدف کاربردی، و به لحاظ روش توصیفی و تحلیلی است که با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی گردآوری شده است. یافته‌های تحقیق نشان داد که تعویق حقوق شخص تحت نظر، هرچند در راستای منافع و مصالح اجتماعی در قوانین کیفری ایران و فرانسه پیش‌بینی شده با اصولی نظیر «اصل تساوی سلاحها» و «اصل براءت» مغایر است؛ لذا در راستای تحصیل دلیل و کشف حقیقت تا حد امکان باید مقنن از تعویق این حقوق خودداری کند؛ مگر در مواردی که مصالح اجتماعی از چنان اهمیتی برخوردار باشد که بدون تعویق حقوق شخص تحت نظر، رسیدن به حقیقت مقدور نباشد. هم‌چنین با بررسی دو نظام حقوقی می‌توان نتیجه گرفت که مقنن در هر دو کشور ایران و فرانسه، برخورداری شخص تحت نظر از برخی حقوق را به صورت مشروط پذیرفته که حاکی از تعویق آنها است؛ با وجود این، در هر دو نظام حقوقی - بیشتر در فرانسه - در موارد متعددی با استثنائات قانونی وارد بر حقوق شخص تحت نظر موجبات تضييع حقوق وی فراهم شده است.

واژگان کلیدی

تحت نظر، حقوق تحت نظر، تعویق حقوق، ضابطان دادگستری، جرائم مشهود

۱. دانشیار گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه، ایران (نویسنده مسئول).

رایانامه: pourghahramani@iau-maragheh.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه، ایران.

رایانامه: Abasngad113@yahoo.com

۱. مقدمه

حق بر آزادی آمد و شد به عنوان یکی از حقوق بنیادین شهروندان در اسناد بین‌المللی و در پی آن در قوانین داخلی بسیاری از کشورها از جمله ایران و فرانسه به رسمیت شناخته شده است. هم‌چنین در این نظامهای حقوقی از جمله اهدافی که برای دادرسیهای کیفری بیان می‌شود، حمایت از حقوق و آزادیهای فردی است. دستگیری، تحت نظر، بازداشت و نظایر اینها، که به نوعی فرد را از این حق محروم می‌کند از جمله اقدامات ناقض حقوق فردی به شمار می‌رود. نقض این حقوق بجز در موارد مصرح قانونی، تخلف، و برای آن ضمانت اجرای کیفری مقرر شده است. از جمله موارد مجاز و مصرح قانونی برای نقض آزادی آمد و شد، تحت نظر قرار دادن شخصی است که به دنبال ارتکاب جرم مشهود دستگیر و نگهداری می‌شود. در نظامهای حقوقی ایران و فرانسه، تحت نظر قراردادن مظنون به عنوان یکی از مصداقهای قانونی سلب حق آزادی شناخته شده و در مقایسه با متهم بازداشت شده برای برخورداری شخص تحت نظر از دیگر حقوق محدودیتهایی نیز پیش‌بینی نموده است. این محدودیت در برخورداری از حقوق به دلیل موقتی بودن به تعویق حقوق شخص تحت نظر معروف است.

قانون به ضابطان دادگستری (پلیس قضایی در فرانسه) اجازه می‌دهد تا در موقعیت خاصی افراد مظنونی را که مرتکب جرم مشهود شده‌اند برای مدت معینی برای تحقیقات ابتدایی، حفظ و جمع‌آوری دلایل و جلوگیری از بین رفتن آنها در اختیار بگیرند که این مدت بسته به نظام حقوقی و سیاستهای کیفری ایران و فرانسه از ۲۴ تا ۱۹۲ ساعت متغیر است. نگهداری افراد به صورت تحت نظر توسط پلیس تا کمتر از ۲۴ ساعت ممکن است؛ هر چند امکان دارد تحت نظر با دستور دادستانی بیش از ۲۴ ساعت هم باشد (بل، ۱۹۹۸: ۱۳۱). افراد تحت نظر در اماکن خاص، که اصطلاحاً «تحت نظرگاه‌های پلیس» نامیده می‌شود، نگهداری می‌شوند؛ از همین رو گفته می‌شود تحت نظر به مرحله‌ای از فرایند دادرسی کیفری ناظر است که مظنون به ارتکاب جرم در بازداشت نیروهای پلیس (ضابطان دادگستری) به سر می‌برد (آشوری و سپهری، ۱۳۹۲: ۳) و شخص تحت نظر به دلیل برخی محدودیتها و شرایط و بعضاً برگزاری جلسات استماع و بازجویی متعدد از سوی نیروهای پلیس در این مدت در وضعیتی ناپایدار و در موضع ضعف قرار دارد؛ آن‌چنانکه گاهی شخص تحت نظر از حقوق اولیه، که در قانون نیز به رسمیت شناخته شده است، محروم می‌شود در حالی که تمامی اشخاص در مقابل قانون و نهادهای رسمی تعقیب و قوه قضاییه بر اساس اصل برائت^۱ بیگناه به شمار می‌روند و نمی‌توان تا اثبات دلیلی

۱. اصل ۳۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و بند ۳ ماده مقدماتی قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه بر اصل برائت ناظر است. اولین سند بین‌المللی، که اصل برائت را مورد تصریح قرار داده، اصل یازده اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب سال ۱۹۴۸ است (ویژه، فنازاد و طاهری، ۱۳۸۹: ۹۶).

بر گناهکاری، وی را از حق آزادی و حقوق اولیه محروم کرد. بر همین اساس، متهم تکلیفی بر اثبات بیگناهی خود ندارد و بر دادسرا به نمایندگی از سوی جامعه و یا شاکی خصوصی است که نقض مقررات از سوی متهم را به اثبات برساند (آشوری، ۱۳۷۶: ۱۴۴). از طرفی بر اساس همین اصل، تضييع حقوق افراد بدون احراز مجرمیت و قطعیت حکم محکومیت بر خلاف عدالت قضایی است (مؤذن زادگان ۱۳۸۹: ۳۰۲). هم‌چنین با سلب آزادی شخص تحت نظر در مرحله تحقیقات مقدماتی نتیجه‌ای همانند بازداشت موقت به وجود می‌آید که با عنایت به ابزارها و اختیارات قانونی که پلیس برای تحقیقات و جمع‌آوری دلائل جرم در اختیار دارد در مقایسه با شخص تحت نظری که آزادی وی سلب شده و حقوق دفاعی ندارد با اصل تساوی سلاحها مغایر است؛ بنابراین حقوق و آزادیهای فردی چنان اساسی انگاشته می‌شود که با سلب غیرقانونی و خودسرانه آنها دیگر حقوق بنیادین نیز بی‌معنا خواهد شد (دنین، ۱۹۴۹: ۶). در مواردی نیز که قانون، حقوقی را برای شخص تحت نظر شناسایی کرده است اگر خود قانون اجازه دهد اجرای بعضی از آن حقوق توسط ضابطان در موقعیتهایی برای حفظ مصالح و منافع عموم به تعویق افتد، رعایت آن اصول و حقوق به نفع شخص تحت نظر، عقیم می‌ماند؛ با وجود این در برخی از موارد، عدم پیش‌بینی محدودیت برای برخورداری شخص تحت نظر از حقوق قانونی، ممکن است به از بین رفتن دلایل، اخفای ادله، تضييع حقوق بزه‌دیده منجر شود؛ به همین دلیل در موارد استثنایی، محدودیتهایی تحت عنوان تعویق حقوق شخص تحت نظر در قوانین دادرسی کیفری کشورها مشاهده می‌شود که به دلیل مصالح فردی و اجتماعی مورد پیش‌بینی قرار گرفته است. در نظامهای حقوقی ایران و فرانسه نیز این محدودیتها در برخورداری از حقوق برای شخص تحت نظر مورد توجه قانونگذاران در دوره‌های مختلف قرار گرفته که هدف این پژوهش آشنایی با این محدودیتها به عنوان مصداقهای تعویق حقوق شخص تحت نظر است. لذا در این نوشتار با مقایسه قانون مصوب ۱۴ آوریل ۲۰۱۱ فرانسه با قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ ایران، ضمن تبیین مفاهیم به بررسی چگونگی و میزان تعویقات قانونی حقوق شخص تحت نظر در ایران و فرانسه پرداخته شده است.

۲. مبانی نظری پژوهش

۲-۱. تحت نظر

در قوانین کیفری ایران و فرانسه، تعریفی از تعبیر «تحت نظر» نشده است. بر خلاف نظام حقوقی فرانسه در قوانین جزایی ایران تا قبل از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری در ۱۳۹۲،

این تعبیر حتی مصطلح هم نبوده است و به جای آن بیشتر از واژه‌های دستگیری، توقیف احتیاطی و یا بازداشت موقت استفاده می‌شد. دستگیری در لغت به معنای گرفتار ساختن و اسیر کردن است (معین، ۱۳۸۶: ۱۵۳۳). از دید حقوقی هم در مفهوم دستگیری به سلب آزادی متهم و یا مجرم اشاره شده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶: ۱۹۰۶). ژان پرادل بازداشت موقت را دستوری می‌داند که توسط بازپرس صادر، و در اجرای آن متهم دستگیر، و برای ادامه تحقیقات و محاکمه به زندان تحویل می‌شود. هم‌چنین می‌نویسد: بازداشت موقت، حبس متهم در بازداشتگاه در طول تمام یا قسمتی از تحقیقات تا دادرسی و محاکمه نهایی و قطعی در مورد احراز موضوع و قضیه است (پرادل، ۱۳۸۱: ۳۷). گارو نیز بازداشت موقت یا توقیف احتیاطی را چنین تعریف کرده است، اینکه مقصر را در تمام استنطاق مقدماتی و یا یک قسمت از آن در زندان حبس کنند. هم‌چنین ممکن است این بازداشت تا زمان تصمیم نهایی ادامه یابد (گارو، ۱۳۸۹: ۱۵۶). از نظر دکتر آشوری بازداشت موقت در توقیف نگاهداشتن متهم در طول تمام یا قسمتی از جریان تحقیقات مقدماتی است که امکان دارد تا پایان دادرسی یا صدور حکم نهایی و شروع به اجرای آن ادامه یابد (آشوری، ۱۳۹۵، ج ۲: ۱۳۳). آخوندی نیز معتقد است: «بازداشت متهم سلب آزادی متهم و زندانی کردن او در قسمتی از تحقیقات مقدماتی توسط مقام قضایی صالح است» (آخوندی، ۱۳۹۰، ج ۴: ۱۵۴).

تحت نظر، ترجمه تحت اللفظی «ل گارد»^۱ در زبان فرانسه است که در قوانین ایران نیز از آن اقتباس شده است. مفهوم لغوی این تعبیر به معنی «زیر نظر و مراقبت، مورد مراقبت و نگهبانی اشخاصی که مورد سوءظن باشند»، آمده است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۶۴۷۱). در ادبیات آیین دادرسی کیفری «تحت نظر» اقدام سالب آزادی است که به موجب آن هر صاحب‌منصب پلیس قضایی (ضابط دادگستری) دستور می‌دهد که شخصی برای مدت کاملاً محدود و مشخص، تحت نظارت مقامات قضایی و به گونه‌های آمده در قانون، تحت نظر و در اختیار او قرار گیرد (بویسون، ۲۰۰۱: ۲۵). از تحت نظر به بازداشت پلیسی هم تعبیر می‌شود. در هر صورت، تحت نظر در پی دستگیری صورت می‌گیرد و شرایط و تشریفات خاصی بر آن حاکم است. در تعریف نگهداری تحت نظر گفته شده است که نگهداری «تحت نظر» یا «بازداشت پلیسی» اختیاری است که به موجب قانون به ضابط دادگستری (پلیس قضایی) داده شده تا کسانی را که در جرائم مشهود یا در ضمن تحقیقات مقدماتی شواهدی علیه آنان به دست آمده است به منظور تحقیقات و با اطلاع مقام قضایی برای مدت محدود نگهداری کنند (اردبیلی،

۱۳۸۳:۲۰۷). با توجه به تعاریف دستگیری، بازداشت موقت و تحت نظر، می‌توان نتیجه گرفت که این سه از دیدگاه مفهومی با هم متفاوت است. دستگیری یک مرحله قبل از تحت نظر است و بازداشت موقت یا توقیف احتیاطی نیز از نظر زمانی از تحت نظر طولانی‌تر است؛ چون ممکن است بازداشت موقت بارها تمدید شود و تا پایان دادرسی نیز ادامه داشته باشد؛ ولی تحت نظر با محدودیت زمانی رو به رو است و تنها به مدت کوتاه نگهداری توسط پلیس یا ضابطان قضایی (که در کشورهای مختلف متفاوت است) اطلاق می‌شود. در حقوق ایران به شخص تحت نظر، مظنون گفته می‌شود؛ ولی در فرانسه به شخصی که در مرحله بازجویی و جمع‌آوری دلائل قرار دارد «suspect» و به شخصی که تحت اتهام جنحه یا خلاف است «prevenu» و شخصی که تحت اتهام جنایت باشد «accuse» گفته می‌شود (زرعت، ۱۳۹۳، ج ۱: ۱۳۷-۱۳۱).

به نظر نگارنده با توجه به تعاریف و تفاوت‌هایی که بین تحت نظر با دستگیری و بازداشت موقت بیان شد، می‌توان در تعریف تحت نظر چنین گفت: «به نگهداری شخص مظنون به ارتکاب جرم مشهود توسط مقامات پلیس برای مدت معین و محدود تحت نظر گفته می‌شود که به منظور تکمیل تحقیقات تا لحظه حضور نزد مقام قضایی انجام می‌پذیرد.»

۲-۲. حقوق «شخص تحت نظر»

اصطلاح حقوق معادل «Law» در ادبیات حقوقی انگلیسی و معادل «Objective Droit» در ادبیات حقوقی فرانسه و معادل «شرع» در ادبیات حقوقی اسلام است. اغلب، حقوق را «مجموعه‌ای از قوانین الزام‌آور کلی تعریف کرده‌اند که به منظور ایجاد نظم و استقرار عدالت بر زندگی انسان حکومت می‌کند و اجرای آن از سوی دولت تضمین می‌شود» (کاظمی، ۱۳۸۶: ۱۲۱). شخص تحت نظر نیز همان طور که گذشت، کسی است که توسط پلیس به ظن ارتکاب جرم به صورت موقت و محدود در بازداشتگاه پلیس نگهداری می‌شود. با توجه به تعریف حقوق و شخص تحت نظر می‌توان گفت: «به مجموعه حقوق و امتیازات مصرح قانونی که مقنن برای مظنون به ارتکاب جرم که توسط پلیس نگهداری می‌شود، اعطا کرده است، حقوق شخص تحت نظر گفته می‌شود.» با توجه به این تعریف، شخص در طول مدتی که به عنوان تحت نظر نگهداری می‌شود، حقوق شناخته شده قانونی دارد و مقامات پلیس مکلفند آن حقوق قانونی را به شخص تحت نظر تفهیم کنند و به صورت مکتوب در اختیار وی قرار دهند و رسید بگیرند و پیوست پرونده کنند. بهره‌مندی متهم از حقوق دفاعی به تحقق عدالت در دادرسیها کمک خواهد کرد. دادرسی کیفری باید منصفانه و عادلانه باشد (حیدری، ۱۳۹۴: ۳۳). حقوق دفاعی متهم اجمالاً مجموعه امتیازات و امکاناتی است که در هر دادرسی منصفانه لازم است متهم از آن برخوردار باشد تا بتواند

در مقابل ادعایی که برخلاف فرض براءت علیه او مطرح شده است در شرایطی آزاد و انسانی از خود دفاع کند (امیدی، ۱۳۸۳: ۲۲۵). قانونگذار برای متهم در دوران تحت نظر، حقوقی مشخص کرده است که از جمله مهمترین آنها می‌توان به حق تعیین تکلیف در مهلت معقول^۱ (کوتاهترین زمان)، حق اطلاع‌رسانی، حق داشتن وکیل، حق معاینه پزشکی، حق ضبط و آثار سمعی و بصری، حق مصونیت مراسلات مخابراتی و حق تضمین آزادی عمل (خودداری از انگشت نگاری و عکسبرداری) اشاره کرد.

۲-۳. تعویق حقوق «شخص تحت نظر»

تعویق در لغت به معنای به تاخیر یا عقب انداختن است و در اصطلاح حقوقی نیز به همین مفهوم است و به معنی عقب انداختن اقدامی قانونی نظیر تعویق حقوق تحت نظر و یا اقدامی قضایی نظیر تعویق صدور حکم است. بنابراین منظور از تعویق حقوق شخص تحت نظر به عقب انداختن حقوق قانونی وی است.

ضابطان به رعایت حقوق شخص تحت نظر در مدت نگهداری شخص تا حضور نزد مقام قضایی مکلف هستند و نباید در اجرای آن حقوق تأخیر یا تعلل کنند؛ ولی در وضعیت‌های مصرح در قانون اجازه داده شده است که ضابطان در مواردی از رعایت آن حقوق منصرف شوند و اجرای آنها را به تعویق بیندازند نه اینکه کلاً متوقف یا از اجرای آنها خودداری کنند که در این صورت طی ضمانت اجراهای قانونی با مأموران متخلف برخورد خواهد شد.^۲ در ادامه به بررسی برخی از مهمترین مصداق‌های حقوقی پرداخته می‌شود که مقنن به تعویق آنها تصریح کرده است.

۲-۴. تحلیل مصداق‌های حقوق تعویق شده شخص تحت نظر در حقوق کیفری ایران و فرانسه

همان‌طور که بیان شد در قوانین آیین دادرسی کیفری در ایران و فرانسه در برخی از موارد حقوق شخص تحت نظر با محدودیهایی تحت عنوان تعویق حقوق رو به رو است که در این بخش با مهمترین این موارد آشنا خواهیم شد.

۲-۴-۱. تعویق حقوق شخص تحت نظر در مدت نگهداری

پلیس می‌تواند در جرائم مشهود برای استماع اشخاص همانند بازداشت موقت، آزادی اشخاص را سلب کند و تحت نظر قرار دهد ولی در هر حال با توجه به ویژگی‌های تحت نظر مدت آن باید محدود و معین باشد؛ به عبارت دیگر تحت نظر را در اسرع وقت برای تعیین تکلیف نزد دادستان حاضر کند تا از سوءاستفاده‌های احتمالی و تضییع حقوق شخص جلوگیری شود؛ از همین رو،

۱. بند ۳ ماده مقدماتی قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه و ماده ۳ قانون آیین دادرسی کیفری ایران ناظر بر این حق است.

۲. ماده ۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری ایران به ضمانت اجرای رعایت حقوق تحت نظر پرداخته است.

یکی از مهمترین حقوق شخص تحت نظر، تصمیم‌گیری برای آزادی وی است که باید در اسرع وقت و در کوتاهترین زمان نسبت به اتهام انتسابی به وی تعیین تکلیف شود. چنانچه بازجویی از متهم حاکی از توجه دلایل اتهام به او باشد، وی باید به منظور تعیین تکلیف به دادسرا اعزام شود؛ در غیر این صورت، ضابطان، مرتکب جرم توقیف غیرقانونی شده‌اند و طبق ماده ۵۸۳ ق.م.ا ۱۳۷۵ قابل مجازات خواهند بود (خالقی، ۱۳۹۶: ۵۹).

قانونگذار ایران در آیین دادرسی کیفری همواره برای تمامی جرائم مدت مشخص ۲۴ ساعت را تعیین کرده است. ماده ۴۶ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ مقرر کرده است: «در هر حال ضابطان نمی‌توانند بیش از ۲۴ ساعت متهم را تحت نظر قرار دهند».

در قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه نیز در حالت عادی همین مدت ثابت ۲۴ ساعت را برای تحت نظر پیش‌بینی کرده است و ماده ۶۳ به همین وضع اشاره می‌کند: «شخص تحت نظر را نمی‌توان بیش از ۲۴ ساعت در بازداشت قرار داد».

مدت ۲۴ ساعت در هر دو نظام حقوقی ایران و فرانسه به عنوان حداقل مدت پیش‌بینی شده است. در ایران افزایش مدت تحت نظر بیش از ۲۴ ساعت امکان ندارد و در آخر مدت تعیین شده باید نزد مقام قضایی حاضر شود تا نسبت به ادامه بازداشت یا آزادی وی تصمیم‌گیری شود. در هر حال مدت نگهداری شخص تحت نظر تا تحویل وی به بازپرسی یا قاضی کشیک نباید بیش از ۲۴ ساعت باشد؛ ولی برخلاف نظام حقوقی ایران در قانون فرانسه در موقعیت‌هایی احتمال افزایش مدت تحت نظر وجود دارد. در فرانسه امکان تمدید مدت تحت نظر در چند مورد پیش‌بینی شده است:

اول اینکه طبق مواد ۶۳ و ۷۷ امکان تمدید عادی برای یک نوبت ۲۴ ساعته دیگر از سوی دادستان برای تحت نظر وجود دارد به شرطی که شخص تحت نظر نزد دادستان حاضر و آورده شود یا در غیر این صورت دستور دادستان باید کتبی باشد. ماده ۷۷ بیان می‌کند: «این تمدید در صورتی تجویز می‌شود که شخص مورد نظر ابتدا به دادستان معرفی شده باشد؛ با وجود این به صورت استثنایی، دادستان شهرستان می‌تواند از طریق صدور یک تصمیم موجه و کتبی بدون معرفی قبلی شخص تحت نظر، دستور تمدید را صادر کند».

دوم در جرائم سازمان‌یافته علاوه بر تمدید مدت تحت نظر به همان شرح، امکان افزایش تمدید در مجموع تا ۹۶ ساعت نیز وجود دارد. در قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه ماده ۸۸-۷۰۶ در مبحث سوم از بخش بیست و پنجم با عنوان «آیین دادرسی قابل اجرا برای جنایت و بزهکاری سازمان‌یافته» آمده است: «برای اجرای مواد ۶۳، ۷۷ و ۱۵۴ در صورتی که ضرورت‌های تحقیق یا رسیدگی در مورد یکی از جرائم وارد در قلمرو اجرایی ماده ۷۳-۷۰۶ آن را ایجاب کند،

تحت نظر یک شخص می‌تواند به صورت استثنایی موضوع دو تمدید اضافی بیست و چهار ساعت قرار گیرد. این تمدیدها به درخواست دادستان شهرستان با تصمیم کتبی و موجه قاضی آزادیها و بازداشت یا بازپرس اجازه داده می‌شود». از این ماده استنباط می‌شود که قانونگذار اصل را بر عدم امکان تمدید و رعایت حق آزادی شخص تحت نظر گذاشته است و تمدید در صورت ضرورت تحقیق، محقق خواهد شد که باید به درخواست دادستان شهرستان و از اختیارات قاضی آزادیها و بازداشت یا بازپرسی است که باید به صورت کتبی باشد.

سوم اینکه با عنایت به ویژگیهای جرائم سازمان‌یافته^۱ و با امعان نظر به ضرورت همکاری در صحنه بین‌المللی با دیگر کشورها، قانونگذار فرانسه را بر آن داشته است که علاوه بر همان ۹۶ ساعت امکان افزایش مدت تحت‌نظر را تا ۱۹۶ ساعت پیش‌بینی کند. ذیل ماده ۸۸-۷۰۶ اشعار داشته است: «اگر از عناصر اولیه تحقیق یا خود تحت نظر استنباط شود که خطر جدی قریب‌الوقوع یک عملیات تروریستی در فرانسه یا خارج از کشور وجود دارد یا ضرورت‌های همکاری بین‌المللی الزاماً آن را ایجاب کند، قاضی آزادیها و بازداشت می‌تواند به صورت استثنایی و بنابر شیوه‌های بند دوم، تصمیم بگیرد که تحت نظر در جریان شخص بر مبنای یکی از همان جرائم در بند شماره ۱۱ ماده ۷۳-۷۰۶ موضوع تمدید اضافی چهل و هشت ساعته با یک بار امکان تمدید قرار گیرد».

پس در نظام حقوقی فرانسه بر خلاف حقوق کیفری ایران، که مدت تحت نظر به صورت معین ۲۴ ساعت است با افزایش آن به مدت ۱۹۶ ساعت (هشت روز) امکان برقراری اصل تساوی سلاحها با توجه به محرمانه^۲ بودن تحقیقات وجود نخواهد داشت و از طرفی نیز برخلاف اصل برائت، شخص تحت‌نظر با بازداشت موقت رو به رو خواهد شد که امکان اعتراض هم ندارد؛ لذا با این اوصاف موجبات تعویق حق آزادی شخص تحت‌نظر فراهم خواهد شد.

۲-۴-۲. تعویق حقوق در موارد نگهداری برای استماع

یکی دیگر از مواردی که شخص نزد پلیس نگهداری می‌شود، نگهداری به منظور استماع برای پیشگیری از لطمه به نظم عمومی و بویژه امنیت شهروندان و اموال است که همانند حالت تحت‌نظر برخلاف اصل برائت به نظر می‌رسد؛ چرا که یکی از آثار این اصل این است که تا زمانی که دلیلی برای گناهکاری یا مجرم بودن شخص نباشد، نمی‌توان آزادی وی را سلب کرد. در قانون

۱. ماده ۷۱-۱۳۲ قانون جزای فرانسه مقرر می‌دارد: هر گروه متشکلی یا هر گونه توافقی با هدف تمهید ارتکاب یک یا چند جرم که به صورت یک یا چند اقدام مادی متجلی می‌شود یک گروه یا باند سازمان یافته در معنای قانونی آن را تشکیل می‌دهد.

۲. ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه بیان می‌کند: جز در مواردی که قانون به گونه دیگری مقرر کرده است و بدون لطمه به حقوق دفاعی متهم، رسیدگی در جریان تحقیقات، محرمانه انجام می‌شود.

آیین دادرسی کیفری فرانسه به افسران پلیس قضایی این اختیار داده شده است تمام اشخاصی را که به ظن پلیس دارای اطلاعات در ارتباط با اعمال و اشیاء و اسناد توقیف شده هستند، احضار و استماع، و در صورت خودداری از حضور به حضور مجبور کند. ماده ۶۲ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه بیان می‌کند: «افسر پلیس قضایی می‌تواند تمام اشخاصی را که دارای اطلاعات مفید در ارتباط با اعمال، اشیاء و اسناد توقیف شده هستند، احضار و استماع کند». در ذیل ماده ۶۲ آمده است: «اشخاصی که دلائل قابل قبولی برای ارتکاب جرم یا شروع به جرم توسط آنها وجود ندارد، فقط می‌توانند تا زمان محدود و ضروری برای استماع صحبت‌هایشان، نگهداشته شوند»؛ این حالت از نگهداری از حالت تحت نظر متفاوت، و از نظر زمانی نیز، آشکارا در قانون، مدت آن مشخص نشده ولی در هر حال از مدت تحت نظر محدودتر است. بدیهی است که با توجه به اصول حاکم بر دادرسیهای جزایی در این مدت محدود نیز شخص باید از حداقل حقوقی که برای شخص تحت نظر پیش‌بینی شده است، برخوردار باشد.

برای مشابه این حالت در قانون ایران می‌توان به امکان صدور دستور جلب شاهد یا آگاه توسط بازپرس اشاره کرد. تبصره ۱ ماده ۲۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری ایران بیان می‌کند: «در صورتی که شاهد یا آگاه برای عدم حضور خود عذر موجهی نداشته باشد، جلب می‌شود».

در تطبیق نظام حقوقی ایران و فرانسه برای استماع اظهارات گواه یا آگاه می‌توان گفت که در حقوق فرانسه پلیس، خود رأساً این اختیار دارد که شخص را احضار کند و برای مدتی نگه دارد؛ در حالی که در حقوق کیفری ایران احضار برای استماع به عنوان شاهد یا آگاه صرفاً به دستور مقام قضایی (بازپرس) انجام می‌شود؛ هر چند امکان دارد جلب شخص در روز جمعه باشد و تا اول وقت اداری نزد پلیس نگهداشته شود؛ بدون اینکه در قانون حقوقی، برای چنین افرادی پیش‌بینی شود.

۳-۴-۲. تعویق حق تحت‌نظر در اطلاع رسانی به خانواده

دستگیری و بازداشت متهمان علاوه بر سلب آزادی آنها، زندگی اعضای خانواده و خویشاوندان وی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ برای نمونه، بی‌اطلاعی اعضای خانواده از سرنوشت و محل بازداشت فرد دستگیرشده، نگرانیهای آنها را افزایش می‌دهد و گاهی موجب ورود صدمه و آسیبهای شدید روحی و روانی به اعضای خانواده وی می‌شود (علیزاده، ۱۳۹۴: ۱۲۳). بنابراین، احترام به حقوق دفاعی شخص ایجاب می‌کند که خانواده وی از تحت نظر قرارگرفتن او آگاهی یابند تا بتوانند مقدمات دفاع، و تسهیلات لازم مانند وکیل را برای او در نظر گیرند. در واقع، آگاه ساختن خویشاوندان متهم نسبت به بازداشت وی، این امکان را برای وابستگان او فراهم می‌آورد تا تدابیر اولیه لازم را برای بهره‌مندی مناسب وی از حقوق قانونی خود به کار گیرند. تسریع در آگاه

ساختن وابستگان متهم موجب می‌شود که آنها بتوانند در صورت نیاز نسبت به استخدام وکیل مدافع و تأمین قرار صادر شده اقدام کنند. علاوه بر این، الزام پلیس یا دستگیرکننده نسبت به اعلام محل بازداشت متهم به خانواده او، می‌تواند سازوکار مؤثری برای جلوگیری از بازداشت‌های غیرقانونی و نگهداری متهم در بازداشتگاه‌های غیررسمی باشد. برخورداری متهم از این حق، تکلیف و مسئولیت رعایت این حق را به کارکنان بخش‌های مختلف فرایند کیفری بویژه افسران پلیس تحمیل می‌کند (فرجیها و مقدسی، ۱۳۹۰: ۲۰).

با توجه به این موارد یکی از اساسیترین حقوق شناخته شده برای شخص تحت نظر، حق آگاه کردن خانواده توسط تحت نظر است که مورد توجه قانونگذار ایران در بند ۵ ماده واحده احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی قرار گرفته است. ماده ۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری ایران نیز آشکارا بیان می‌کند: «شخص تحت نظر می‌تواند به وسیله تلفن یا هر وسیله ممکن، افراد خانواده یا آشنایان خود را از تحت نظر بودن آگاه کند و ضابطان نیز مکلفند مساعدت لازم را در این زمینه به عمل آورند؛ مگر اینکه بنا بر ضرورت تشخیص دهند که شخص تحت نظر نباید از چنین حقی استفاده کند؛ در این صورت باید مراتب را برای گرفتن دستور مقتضی به اطلاع مقام قضایی برسانند»^۱.

در ذیل ماده ۴۹ قانون آیین دادرسی کیفری ایران نیز مقرر شده است: «پاسخگویی به بستگان شخص درباره تحت نظر قرار گرفتن تا حدی که با حیثیت اجتماعی و خانوادگی اشخاص تحت نظر منافات نداشته باشد، ضروری است». با توجه به متن ماده می‌توان استنباط کرد که مقام تشخیص دهنده عدم منافات پاسخگویی به بستگان شخص تحت نظر با حیثیت اجتماعی و خانوادگی وی، ضابطان دادگستری هستند که با عدم مشخص بودن حدود و ثغور و ماهیت تعبیرهای حیثیت اجتماعی و خانوادگی و استفاده از آن توسط ضابطان به تضييع حقوق شخص تحت نظر منجر خواهد شد و شایسته بود که در این مورد قانونگذار بروشنی مصداقها را مشخص می‌کرد تا مورد تفاسیر متعدد و سوءاستفاده‌های احتمالی قرار نگیرد.

با توجه به مواد یاد شده می‌توان گفت که در نظام حقوقی ایران، حق بر اطلاع‌رسانی توسط شخص تحت نظر از حقوق قانونی وی برشمرده شده؛ اما در موقعیت‌هایی ممکن است که این حق

۱. قانونگذار در آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، امکان اطلاع خانواده فرد تحت نظر را از وضعیت وی به گونه دیگری نیز پیش‌بینی کرده است. به موجب ماده ۴۹ این قانون به محض اینکه متهم تحت نظر قرار گرفت، حداکثر ظرف یک ساعت، مشخصات سجلی، شغل، نشانی و علت تحت نظر قرار گرفتن وی به هر طریق ممکن به دادرسی محل اعلام می‌شود. دادستان هر شهرستان با درج این مشخصات در دفتر مخصوص و رایانه با رعایت مقررات درباره دادرسی الکترونیکی، نظارت لازم را برای رعایت حقوق این افراد اعمال، و فهرست کامل آنان را در پایان هر روز به رئیس کل دادگستری استان مربوط اعلام می‌کند تا به همان شکل ثبت شود؛ ضمن اینکه تخلف ضابطان از مقررات این ماده مشمول ضمانت اجرای مذکور در ماده ۶۳ قانون خواهد شد.

بنابر ضرورتی که باید به تأیید مقام قضایی برسد با محدودیتهایی رو به رو شود. بنابراین تعویق حقوق تحت نظر مبنی بر اطلاع‌رسانی به خانواده‌اش آشکارا در نظام حقوقی ایران پذیرفته شده است. در نظام حقوقی فرانسه نیز هم به حق بر اطلاع‌رسانی تصریح، و هم مصداقهای تعویق حق بر اطلاع‌رسانی به خانواده تحت نظر ذکر شده است. ماده ۲-۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه مقرر می‌دارد: «هر شخص تحت نظر می‌تواند به درخواست خود در مهلت پیش‌بینی شده در آخر ماده ۱-۶۳ به وسیله تلفن به شخصی که عادتاً با او زندگی می‌کند یا یکی از والدین خود را در خط مستقیم، یکی از برادرها یا خواهرهای خود یا کارفرمای خود، موضوع را اطلاع دهد. اگر افسر پلیس قضایی به دلیل ضرورت تحقیق، معتقد باشد که شخص نباید از چنین حقی استفاده کند، باید فوراً موضوع را به اطلاع دادستان شهرستان برساند تا در ارتباط با این موضوع تصمیم بگیرد». استثنایی که بر حق اطلاع‌رسانی شخص تحت نظر وارد شده در قانون فرانسه با تعبیر «ضرورت تحقیقات» و در قانون ایران با واژه «ضرورت» بیان شده که تشخیص آن در فرانسه با افسر پلیس قضایی و در ایران با ضابطان دادگستری است (آشوری و سپهری، ۱۳۹۲: ۱۷). هرچند واژه ضرورت عبارت کلی است و حدود و ثغور آن مشخص نیست و می‌تواند مورد استفاده ابزاری مقامات پلیس قرار گیرد که در هر صورت به ضرر شخص تحت نظر است. در هر دو نظام حقوقی ایران و فرانسه مقام تأیید کننده ضرورت، مقام قضایی است که در فرانسه دادستان شهرستان و در ایران مقام قضایی مربوط که حسب مورد می‌تواند دادستان، قاضی کشیک، بازپرس یا دادیار در مقام تحقیق باشد.

۲-۴-۴. تعویق حق تحت نظر در استفاده از وکیل

وکیل در لغت به معنی مباشر، کارگزار و کسی است که شخص، کارهای خود را به او واگذار می‌کند و در معنای اصطلاحی به کسی گفته می‌شود که از سوی شخص دیگری - اعم از حقیقی یا حقوقی - به موجب عقد وکالت برای کاری مأمور می‌شود. در قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵ تعریفی درباره وکیل نیامده است (جهانگیری، ۱۳۹۸: ۲۳). امروزه با توجه به گرایش سامانه‌های دادرسی در مرحله تحقیقات مقدماتی به سمت سامانه اتهامی، قاعده تساوی سلاحها و ترافی شدن رسیدگی، حضور وکیل و همراهی او با متهم در تمام مراحل دادرسی کیفری به عنوان حق دفاعی متهم پذیرفته شده است (آشوری و سپهری، ۱۳۹۲: ۲۰). حق داشتن وکیل از بارزترین جلوه‌های دادرسی منصفانه و حقوق دفاعی متهم به شمار می‌رود؛ زیرا حضور وکیل در فرایند دادرسی، سبب کاسته شدن از اشتباه‌های قضایی و افزایش دسترسی به عدالت می‌شود (نیازپور، ۱۳۸۶: ۹۵). حق متهم مبنی بر برخورداری از وکیل در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و بند ۳ ماده واحده قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی^۱ نیز به

۱. بند ۳ ماده واحده مقرر می‌دارد: محاکم و دادرها مکلفند حق دفاع متهمان و مشتکی عنهم را رعایت، و فرصت استفاده از وکیل و کارشناس را برای آنها فراهم کنند.

رسمیت شناخته شده و در اسناد بین‌المللی از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و پیمان نامه حقوق کودک و بند ۳ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مورد توجه قرار گرفته است.

در نظام حقوقی ایران برای اولین بار در ماده ۱۱۲ قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۰ شمسی به امکان انتخاب وکیل اشاره شده بود؛ اما تا قبل از سال ۱۳۹۲ در هیچ یک از قوانین کیفری به امکان انتخاب و استفاده از وکیل در مرحله تحت نظر بحثی به میان نیامده بود. قانون آیین دادرسی کیفری ایران مصوب ۱۳۹۲ با تأثیرپذیری از قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه و برای حفظ حقوق متهم، حق حضور وکیل در مرحله تحت نظر را برای اولین بار - هرچند محدود - پذیرفت و به طور کلی این مرحله را، که مدت‌ها به عنوان یک مرحله در فرایند دادرسی کیفری پذیرفته نشده بود، اکنون با تعمیم حقوق متهم به آن، جزء جدایی‌ناپذیر فرایند کیفری به شمار آورده است (لازارز، ۲۰۰۰: ۷۰) در متن اولیه این قانون، واژه صریحی درباره دخالت وکیل متهم در عرصه تحقیقات مقدماتی وجود نداشت؛ اما پس از تحولاتی که در سطح بین‌المللی در زمینه شناسایی بیشتر حقوق متهم رخ داد، قانونگذار ایران نیز در سال ۱۳۳۵ تبصره‌ای به ماده ۱۱۲ قانون الحاق کرد که طبق آن: «متهم می‌تواند یک نفر از وکلای رسمی دادگستری را همراه خود داشته باشد. وکیل متهم بدون مداخله در تحقیق پس از پایان بازجویی می‌تواند و مطالبی را که برای روشن شدن حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قوانین لازم بداند به بازپرس تذکر دهد. اظهارات وکیل در صورت جلسه منعکس می‌شود». بنابراین از ابتدای قانونگذاری، مجوز شرکت وکیل در دادرسی کیفری به طور محدود بوده و حق دفاع در مرحله تحقیقات مقدماتی کمرنگ شده است. این امر از رعایت اصول نظام دادرسی تفتیشی ناشی شده است که نه متهم و نه وکیل وی حق دفاع و اقامه دلایل را مستقل و آزادانه نداشته‌اند.

به موجب ماده ۴۸ قانون آدک مصوب ۱۳۹۲ «با شروع تحت نظر قرار گرفتن، متهم می‌تواند تقاضای حضور وکیل کند. وکیل باید با رعایت و توجه به محرمانه بودن تحقیقات و گفتگوها با شخص تحت نظر ملاقات کند و وکیل می‌تواند در پایان ملاقات با متهم، که نباید بیش از یک ساعت باشد، ملاحظات کتبی خود را برای درج در پرونده ارائه کند؛» با وجود این برابر تبصره ذیل این ماده (تا قبل از اصلاح قانون آیین دادرسی کیفری در سال ۱۳۹۴) مقرر شده بود: «اگر شخص به علت اتهام ارتكابی یکی از جرائم سازمان‌یافته و جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی، دزدی، مواد مخدر و روانگردان و یا جرائم موضوع بندهای الف (جرائم موجب مجازات سلب حیات)، ب (جرائم موجب حبس ابد) و پ (جرائم موجب مجازات قطع عضو و جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی با میزان ثلث دیه کامل یا بیش از آن) ماده ۳۰۲ این قانون،

تحت نظر قرار گیرد تا یک هفته پس از شروع تحت نظر قرار گرفتن، امکان ملاقات با وکیل را ندارد.» در ادامه به توجه به انتقادات به قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، که از جمله این انتقادات تبصره ماده ۴۸ این قانون بود، طرح اصلاح قانون آیین دادرسی کیفری در مجلس شورای اسلامی مطرح شد و در تاریخ ۱۳۹۴/۳/۳۱ نیز به تصویب و تأیید شورای نگهبان قانون اساسی رسید. بر اساس این قانون این تبصره حذف، و به جای آن مقرر شد: «در جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی و هم‌چنین جرائم سازمان‌یافته، که مجازات آنها مشمول ماده (۳۰۲) این قانون است در مرحله تحقیقات مقدماتی طرفین دعوا وکیل یا وکلای خود را از بین وکلای رسمی دادگستری که مورد تأیید رئیس قوه قضاییه باشد، انتخاب می‌کنند. نام این وکیلان توسط رئیس قوه قضاییه اعلام می‌شود». با عنایت به این موارد از مهمترین تحولات در قانون جدید آیین دادرسی کیفری این است که به محض اینکه شخصی به عنوان متهم تحت نظر قرار گرفت، می‌تواند «درخواست ملاقات با وکیل مدافع» را مطرح کند. در این ملاقات، که نباید پیش از یک ساعت به طول بینجامد، لازم است به محرمانه بودن تحقیقات و گفتگوها دقت شود و در پایان وکیل مدافع می‌تواند نکاتی را که تأمین کننده حقوق موکلش باشد کتباً برای درج در پرونده ارائه کند.

در فرانسه، انتخاب وکیل برای شخص تحت نظر می‌تواند با چند روش انجام پذیرد: نخست اینکه شخص تحت نظر رأساً وکیل خود را تعیین، و مشخصات او را به ضابطان اعلام کند. دوم اینکه در صورت عدم دسترسی به وکیل مورد نظر متهم یا فراموشی نام او، شخص تحت نظر حق خواهد داشت از طریق کانون وکلای محل، تقاضای تعیین وکیل کند. در همه موارد، ضابطان مکلف هستند وکیل تعیینی یا معاضدتی شخص تحت نظر و یا وکیل کشیک را بلافاصله و با هر وسیله ممکن از این تقاضا آگاه کنند. سرانجام اینکه تعیین وکیل در صورتی که شخص تحت نظر با آن موافقت کند، می‌تواند توسط افراد خانواده، آشنایان یا نماینده قانونی وی انجام پذیرد (ساقیان، ۱۳۹۳: ۱۰۵). بازداشت‌شدگان مخیرند در صورت تضاد در منافع درخواست تغییر وکیل تسخیری را بنمایند.^۱

امکان دخالت وکیل در بازجوییها و رویارویی در مواردی که شخص تحت نظر تقاضا کند، پیش‌بینی شده است. نکته قابل توجه اینکه همراهی وکیل مدافع در تحقیقات، فرع بر درخواست جداگانه از تقاضای اولیه ملاقات با وکیل از سوی شخص تحت نظر است. مطابق ماده ۱-۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری این کشور، اظهارات شخص تحت نظر در زمینه همراهی وکیل یا انصراف وی از این حق باید هنگام ابلاغ تحت نظر قرار گرفتن در صورت جلسه قید شود. نکته دیگر اینکه

دخالت وکیل مدافع در تحقیقات باید با رعایت حفظ اسرار پرونده توسط وکیل مدافع همراه باشد. در واقع وکیلان به منظور حفظ کارایی تحقیقات پلیس، مجاز نیستند اطلاعات مربوط به ملاقات با موکل خود و همچنین اطلاعات مربوط به مطالعه صورتجلساتی را در اختیار اشخاص دیگر قرار دهند که هنگام همراهی موکل خود در طول تحقیقات و مواجهات حضوری کسب کرده‌اند.^۱ بدین‌سان در نظام حقوقی فرانسه، اگرچه مطابق مقررات تحقیقات و مواجهات تحت نظارت پلیس قضایی انجام می‌گیرد در مدت جلسات استماع، شخص تحت نظر می‌تواند از حقوقی به شرح ذیل برخوردار شود:

نخست به استناد بند ۱ ماده ۲-۴-۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری وکیل می‌تواند در طول مدت تحقیقات از متهم از پرونده یادداشت‌برداری کند. نکته قابل توجه اینکه تا سالهای اخیر در این کشور، تنها حق ملاقات ساده با وکیل مدافع پیش‌بینی شده بود و مقرراتی در زمینه مطالعه پرونده و یا حق دخالت در تحقیقات پلیس منظور نشده بود. به تعبیر برخی نویسندگان فرانسوی، حضور وکلا در این مرحله قبل از هر چیز مأموریتی بشردوستانه بوده و تنها باعث قوت قلب موکل خود می‌شده است.

دوم اینکه بر پایه این مقرره، وکیل می‌تواند پس از پایان هر تحقیقی که در آن شرکت کرده است، سؤالاتی مطرح کند که برای روشن شدن حقیقت و یا دفاع از متهم لازم است. شایان‌ذکر است که پلیس تنها با دو شرط می‌تواند مانع از سؤالات وکیل مدافع متهم شود: نخست اینکه سؤالات چنان ویژگی داشته باشد که با سری بودن تحقیقات مقدماتی مغایر باشد و دوم اینکه مستند پلیس در جلوگیری از طرح سؤالات وکیل مدافع به طور کتبی در صورتجلسه بازجویی قید شود تا امکان اعتراض به این تصمیم باشد و مقام قضایی بتواند درستی یا نادرستی اقدامات پلیس را ارزیابی کند.

سوم، وکیل می‌تواند با تقدیم لایحه‌ای که ضمیمه پرونده می‌شود، مطالبی را بیان کند که برای کشف حقیقت و دفاع از موکل خود یا اجرای قوانین لازم بداند. همچنین لایحه وکیل می‌تواند متضمن پرسش‌های حقوقی و قضایی باشد که از سوی پلیس با طرح آنها مخالفت شده است. گفتنی است این لایحه همزمان می‌تواند به دادستان نیز تقدیم شود؛ بدین‌سان قانونگذار فرانسوی به منظور رعایت هرچه بیشتر حقوق فردی و برای انطباق مقررات آیین دادرسی خود با کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، حقوق دفاعی شایان توجهی را در مقررات ناظر به تحت نظر قرار گرفتن افراد از سوی پلیس تصویب کرده است. زمان دخالت وکیل در مرحله تحت نظر برحسب

۱. ماده ۴-۴-۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه

اینکه جرم ارتكابی از جرائم عادی، و یا از جرائم سازمان‌یافته است، در نظام حقوقی فرانسه متفاوت است.

تا قبل از اصلاحات قانونی در سال ۲۰۱۱ در بحث تحت نظر در قانون فرانسه حق همراهی وکیل از اولین جلسات استماع با شخص مظنون^۱ وجود داشت. در اصلاحات اخیر، این حق با استثنائاتی رو به رو شده است. ماده ۱-۳-۶۳ آ.د.ک فرانسه در تأیید قاعده کلی یعنی حق همراهی وکیل می‌گوید: «از ابتدای نگهداری تحت نظر، شخص می‌تواند همراهی یک وکیل را درخواست کند.» در ادامه بر اساس ماده ۴-۶۳ مقرر شده است: «وکیل تعیینی می‌تواند در شرایطی که محرمانه بودن گفتگوهای آنها تضمین شود با شخص تحت نظر ملاقات کند. مدت ملاقات نمی‌تواند از سی دقیقه بیشتر باشد».

در صورت تمدید مدت تحت نظر، این حق با همان شرایط تجدید می‌شود. در حقوق فرانسه بعد از تعیین میزان اختیارات وکیل در این مرحله، ماده ۲-۴-۶۳، که از تأسیسات قانون ۱۴ آوریل ۲۰۱۱ است بر خلاف سابق به استثنای مهمی در تأخیر حضور وکیل در جلسات استماع یا رویارویی پرداخته است: «شخص تحت نظر می‌تواند درخواست کند که در جلسات استماع و رویارویی یک نفر وکیل او را همراهی کند. در این حالت، اولین جلسه استماع قبل از گذشت دو ساعت از زمان اعلام حق همراهی وکیل، بدون حضور وکیل انتخابی یا تعیینی از سوی کانون وکلا، نمی‌تواند شروع شود. در جریان جلسات استماع یا مواجهات، وکیل می‌تواند یادداشت‌برداری کند.» تا اینجا بر قاعده کلی یعنی حق حضور وکیل تصریح شده است. طبق مفهوم مخالف عبارت ماده با گذشت دو ساعت، افسر پلیس قضایی می‌تواند جلسه استماع را بدون حضور وکیل شروع کند. در صورت حضور وکیل در اثنای جلسه استماع به درخواست شخص تحت نظر جلسه استماع متوقف می‌شود و وکیل می‌تواند بر اساس تشریفات قانونی، اسناد پرونده را ملاحظه کند. در صورت نبود چنین درخواستی از سوی شخص تحت نظر، وکیل مربوط صرفاً در جلسه استماعی حضور می‌یابد که در جریان است. شایان ذکر است که این حق، استثنایی نیز دارد: هنگامی که ضرورت‌های تحقیق ایجاب کند که یک جلسه استماع فوری برگزار شود، دادستان جمهوری (شهرستان) می‌تواند طی یک دستور کتبی و موجه بر اساس درخواست افسر پلیس قضایی، مجوز برگزاری جلسه استماع را بدون انتظار گذشت مدت مذکور (دو ساعت) صادر کند؛ این مطلب بدان

۱. موضوع استماع با بازپرسی متفاوت است. افسر پلیس قضایی صرفاً حق استماع فرد را دارد، ولی بازپرسی از سوی بازپرس پرونده صورت می‌گیرد. حضور وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی در قانون آ.د.ک ۱۳۷۸ شبیه جلسه استماع بود. در آن مرحله وکیل صرفاً حق دارد در جلسه حاضر شود و بدون مداخله، تنها روند دادرسی را استماع کند و در پایان اگر نکته‌ای را لازم دید به بازپرس یادآوری کند.

معناست که در این حالت با مجوز دادستان، افسر پلیس قضایی می‌تواند جلسهٔ استماع با شخص مظنون را بدون انتظار سپری شدن دو ساعت و به صورت فوری برگزار کند. این محرومیت از حق حضور وکیل، نامحدود نیست. در این ماده برای این محرومیت، مدت زمانی مشخص و شرایطی تعیین شده است:

(این محرومیت باید) با توجه به شرایط ویژهٔ تحقیق یا برای حُسن جریان تحقیقات در جمع‌آوری و حفظ دلائل یا برای پیشگیری از تعرّض قریب‌الوقوع به اشخاص، اجتناب‌ناپذیر باشد. دادستان جمهوری (شهرستان) نمی‌تواند حضور وکیل در جلسات استماع یا مواجهات را بیش از حداکثر ۱۲ ساعت به تأخیر اندازد.

مقنّن برای تصمیم دادستان یا قاضی آزادیها و بازداشت در تأخیر این حق، شرایط محدودکننده‌ای را اعمال کند و برای جلوگیری از اختلال در روند تحقیقات پلیس در مرحلهٔ تحت نظر و با توجه به شدت جرم ارتكابی و ملاحظات مرتبط با تحت نظر با استثنایی دیگر، محرومیت از حق حضور وکیل را تا ۲۴ ساعت قابل تمدید دانسته است:

«هنگامی که شخص به دلیل جنایت یا جنبه با مجازات حبس مساوی یا بیشتر از پنج سال در تحت نظر به سر می‌برد، قاضی آزادیها و بازداشت می‌تواند به درخواست دادستان جمهوری (شهرستان)، مدت حضور وکیل را به بیش از ۱۲ ساعت و حداکثر تا ۲۴ ساعت به تأخیر اندازد. مجوز دادستان و قاضی آزادیها و بازداشت در هر دو حالت باید کتبی، موجه، مستند به شرایط مصرّح در ماده و متناسب با شرایط ناشی از جرم ارتكابی باشد. چنانچه مطابق شرایط پیش‌بینی شده، دستور تأخیر حضور وکیل از سوی دادستان یا قاضی آزادیها و بازداشت صادر شده باشد، می‌توان برای همان مدت محرومیت، وکیل را از بررسی و ملاحظهٔ صورتجلسات استماع شخص تحت نظر محروم کرد».

تعویق حق تحت نظر از داشتن و همراهی وکیل با توجه به نوع جرم ارتكابی و حساسیت موضوع و میزان اخلاقی که این جرائم می‌تواند در نظم عمومی جامعه ایجاد کند، در فرانسه نیز به مانند آنچه در تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ (اصلاحی ۱۳۹۴) با مفادی متفاوت و تحت شرایطی خاص پیش‌بینی شده است. در این زمینه ماده ۴-۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه بیان کرده است: «اگر شخص به علت یکی از جرائم مذکور در بندهای شماره ۴، ۶، ۷، ۸، و ۱۵ ماده ۷۳-۷۰۶ تحت نظر قرار گرفته باشد در پایان چهل و هشت ساعت بعد از تحت نظر، وکیل می‌تواند با شخص مورد نظر ارتباط برقرار کند. در صورتی که شخص به دلیل یکی از جرائم مذکور در بندهای شماره ۳ و ۱۱ همین ماده، تحت نظر قرار گرفته باشد در پایان هفتاد و دو ساعت بعد از تحت نظر امکان گفتگو و ملاقات وکیل با وی وجود دارد. دادستان

از اوصاف اعمال ارتكابی و مكان تحت نظر، توسط مسئولان تحقیق آگاه می شود.» بنابراین مطابق قانون آیین دادرسی کیفری کشور فرانسه در موارد ذیل، شخص تحت نظر از حق اولیه خود محروم می شود و پس از ۴۸ ساعت از شروع تحت نظر می تواند از حق وکیل بهره مند گردد:

۱. جنایت و جنحه های آدمربایی و توقیف غیر قانونی ارتكابی در باند سازمان یافته
۲. جنایت و جنحه های شدید قوادی
۳. جنایت دزدی ارتكابی در باند سازمان یافته
۴. جنایت شدید اخاذی

۵. جنحه های مشارکت بزهکارانه در ماده ۱-۴۵۰ قانون جزای فرانسه
و در موارد ذیل نیز پس از پایان ۷۲ ساعت از شروع تحت نظر می تواند با وکیل خود مشورت کند و وارد صحبت شود:

۱. جنایت و جنحه های قاچاق مواد مخدر

۲. جنایت و جنحه های سازنده اعمال تروریستی

با توجه به موارد یاد شده، می توان نتیجه گرفت که در قوانین هر دو کشور ایران و فرانسه به حق انتخاب و در اختیار گرفتن وکیل توسط شخص تحت نظر تصریح شده ولی در چگونگی استفاده، مدت زمان، شرایط قانونی و بالاخره در استثنائاتی متفاوت است که مقنن به تعویق در اختیار گرفتن وکیل و استفاده از خدمات وکیل توسط شخص تحت نظر بر شمرده است.

۲-۴-۵. تعویق حق تحت نظر در چگونگی بهره مندی از ضبط آثار سمعی و بصری

از دیگر حقوقی که در برخی نظامهای حقوقی مورد پیش بینی قرار گرفته، حق بهره مندی از ضبط آثار سمعی و بصری است. پیش بینی این حق به منظور عدم سوءاستفاده احتمالی مقامات پلیسی و قضایی از اظهار نظر نزد آنها و همچنین عدم کتمان موارد اظهار شده متهم است. در نظام حقوقی ایران در زمینه برخورداری از این حق در مرحله تحت نظر بحثی به میان نیامده است و تنها مقرره های قانونی درباره ضبط صوت و تصویر به تبصره یک ماده ۳۵۳ و همچنین به ماده ۴۰۰ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ محدود می شود.

در تبصره ماده ۳۵۳ مقرر شده است: « هرگونه عکسبرداری یا تصویربرداری یا ضبط صدا از جلسه دادگاه ممنوع است؛ اما رئیس دادگاه می تواند دستور دهد تمام یا بخشی از محاکمات تحت نظارت او به صورت صوتی یا تصویری ضبط شود.» در ماده ۴۰۰ نیز آمده است: «محاکمات دادگاه کیفری یک، ضبط صوتی و در صورت تشخیص دادگاه، ضبط تصویری نیز می شود. انتشار آنها ممنوع و استفاده از آنها نیز به اجازه دادگاه منوط است.» مطابق این موارد بحثی در مورد

ضبط آثار سمعی و بصری به عنوان حقوق شخص تحت نظر در نظام حقوقی ایران مطرح نشده است؛ لذا پرداختن به تعویق این حق برای شخص تحت نظر سالب به انتفای موضوع است. بر خلاف نظام حقوقی ایران، یکی از حقوقی که در قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه برای شخص تحت نظر شناخته شده، برخورداری از ضبط صدا و تصویر شخص هنگام بازجویی در اماکن پلیسی است. با استفاده از این حق در صورت تعارض صورتجلسه‌ها و یا دیگر موارد مطرح شده در بازجوییها، می‌توان صدا یا تصویر ضبط شده را مورد بازبینی قرار داد و به واقعیت پی برد. ماده ۶۴-۱ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه مقرر می‌دارد: «بازجویی از اشخاص تحت نظری که به دلیل جنایت ارتكابی در مکانهای واحد پلیس یا ژاندارمری مجری مأموریت‌های پلیس قضایی نگهداری می‌شوند، ضبط سمعی و بصری می‌گردند». قانونگذار فرانسه در سه مورد ذیل، موجبات تعویق این حق را نیز پیش‌بینی کرده است:

اول در صورتی که چند شخص تحت نظر باید همزمان مورد بازجویی نزد پلیس قرار گیرند و به علت کمبود امکانات یا بودجه، امکان ضبط همه بازجوییها نباشد، دادستان شهرستان با اطلاع افسر پلیس قضایی، اشخاصی از تحت نظرها را انتخاب می‌کند که از امکان ضبط محروم می‌شوند. ادامه ماده ۶۴-۱ بیان کرده است:

«هنگامی که چند شخص تحت نظر باید همزمان در جریان یک دادرسی یا دادرسیهای جدا مورد بازجویی قرار گیرند و این امر در ضبط همه بازجوییها مانع ایجاد کند، افسر پلیس قضایی، بلافاصله موضوع را به دادستان شهرستان ارجاع می‌دهد و این مقام قضایی با تصمیم کتبی خود در پرونده با توجه به ضرورت‌های تحقیق، یک یا چند شخص تحت نظر را انتخاب می‌کند که بازجویی از آنها موضوع ضبط قرار نمی‌گیرد».

دوم قانونگذار فرانسه در جرائم ارتكابی ذیل الذکر در ادامه ماده ۶۴-۱ مانع ضبط آثار سمعی و بصری شخص تحت نظر شده و اصل بر عدم ضبط آثار است مگر اینکه دادستان رأساً اجازه ضبط را بدهد تا اینکه شخص بتواند از این حق بهره مند شود:

۱. جنایت قتل ارتكابی در باند سازمان یافته
۲. جنایت شکنجه و رفتار وحشیانه ارتكابی در باند سازمان یافته
۳. جنایات و جنحه‌های قاچاق مواد مخدر
۴. جنایات و جنحه‌های آدمربایی و توقیف غیرقانونی در باند سازمان یافته
۵. جنایات و جنحه‌های شدید قاچاق انسان
۶. جنایات و جنحه‌های شدید قوادی

۷. جنایات دزدی ارتكابی در باند سازمان یافته
 ۸. جنایات شدید اخاذی
 ۹. جنایات تخریب، دستکاری و از کار انداختن اموال، ارتكابی در باند سازمان یافته
 ۱۰. جنایات موضوع تقلب در مسكوكات
 ۱۱. جنایات و جنحه‌های سازنده اعمال تروریستی
 ۱۲. جنحه‌های موضوع سلاح و مواد منفجره ارتكابی در باند سازمان یافته
 ۱۳. جنحه‌های مساعدت به ورود، تردد و اقامت غیرقانونی یک خارجی در فرانسه، ارتكاب یافته در باند سازمان یافته
 ۱۴. جنحه‌های تطهیر پول
 ۱۵. جنحه‌های مشارکت بزهکارانه
 ۱۶. جنحه‌های عدم توجیه منابع مالی زندگی
- سوم اشخاص تحت نظر در جنحه‌های مشهودی که مجازات حبس دارد از حق ضبط سمعی و بصری محروم می‌شوند. در این زمینه ماده ۶۷ مقرر می‌دارد: «در جنحه‌های مشهود در صورتی که مجازات قانونی پیش‌بینی شده، حبس باشد، مقررات مواد ۵۴ تا ۶۶ به استثنای ماده ۱-۶۴، امکان اجرا پیدا می‌کند». در اهمیت جنحه‌های مشهود با مجازات حبس همین بس که وفق ماده ۷۳، هر شخصی برای دستگیری مرتکب این جرائم و هدایت فوری او نزد پلیس قضایی صلاحیت دارد و این محرومیت از حق برخلاف عدالت می‌نماید که در این گونه جرائم تحت نظر از چنین حقی محروم گردد. با عنایت به این موارد و در تطبیق تعویق حق تحت نظر در ایران و فرانسه می‌توان گفت که در نظام حقوقی ایران در هیچ یک از جرائم، به لزوم ضبط تصویری یا صوتی بودن بازجویی یا دیگر اقدامات پلیسی در مرحله تحت نظر اشاره نشده و چنین حقی مورد توجه قرار نگرفته است؛ اما در حقوق فرانسه مطابق با آنچه بیان شد، حق و موارد تعویق آن در مرحله تحت نظر آشکارا مورد پیش‌بینی قرار گرفته است.

۲-۴-۶. تعویق حق تحت نظر با خودداری از انگشت نگاری و عکسبرداری

با توجه به مقررات کیفری از جمله خلأهای قانونی، که در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ نیز با سکوت قانونگذار همراه شده، کنترل هویت اشخاص اعم از عادی و مظنونان و متهمان توسط مقامات قضایی و پلیسی است. نگاهی به قوانین جزایی در ایران و حتی قوانین غیرجزایی مؤید این است که با وجود پیشرفتهای صورت گرفته در علم انگشت نگاری و عکاسی و حتی

پیش‌بینی واحدی در نیروی انتظامی برای امور مربوط به تشخیص هویت^۱ و هم‌چنین پیش‌بینی واحد سجل کیفری و عفو بخشودگی در معاونت اجرای احکام در ماده ۴۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری^۲ درباره سازوکارهای انگشت نگاری و عکسبرداری و یا نظایر اینها و حدود و اختیارات مقامات پلیسی و قضایی به منظور کنترل پلیسی یا قضایی مقررهای پیش‌بینی نشده است. با عنایت به موارد یاد شده و با در نظر گرفتن قانون منع انگشت نگاری عمومی مصوب ۱۳۶۸ و عدم نسخ صریح یا ضمنی آن به نظر می‌رسد کنترل هویت متهمان در تحت نظرگاه‌های پلیسی فاقد پشتوانه قانونی باشد.

بر خلاف نظام حقوقی ایران در فرانسه به منظور کنترل هویت، مستندات قانونی پیش‌بینی شده است. بر اساس ماده ۱-۷۸ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه هر شخص در سرزمین فرانسه باید پذیرای کنترل هویت توسط مقامات پلیس باشد. در ماده ۳-۷۸ آمده است: «در صورتی که شخص از اثبات هویت خود خودداری ورزد و یا دلائلی مبنی بر نادرست بودن هویت کسب شده ارائه کند، عملیات لازم برای کسب هویت اشخاص از قبیل انگشت نگاری و عکسبرداری با اجازه دادستان شهرستان و بازپرس صورت می‌پذیرد مشروط بر اینکه تنها راه اثبات هویت اشخاص، این عملیات باشد».

در حالی که یکی از آثار اصل برائت همانند حق سکوت می‌تواند خودداری شخص تحت نظر از انگشت نگاری و یا عکسبرداری باشد. درباره حق سکوت، اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی ردیف «الف» از بند ۱ ماده ۵۵ را به بیان حق شخص بر مجبور و وادار نشدن به «متهم کردن»^۳ خود یا «اقرار به جرم»^۴ اختصاص داده است (فضائلی، ۱۳۸۹: ۳۶۹)؛ پس بدیهی است که سکوت مظنون به مقتضای اصل برائت هرگز نباید هیچ نشان از مجرم بودن او تلقی شود؛ ولی قانونگذار فرانسه نه تنها چنین حقی را به عنوان یکی از حقوق اولیه تحت نظر پیش‌بینی نکرده بلکه فراتر از آن به جرم انگاری نیز پرداخته است. در ماده ۵-۷۸ آمده است: «اشخاصی که از اقدامات

۱. به موجب بند ۹ ماده ۴ قانون نیروی انتظامی مصوب ۱۳۶۹ امور تشخیص هویت و کشف علمی جرم برعهده نیروی انتظامی قرار گرفته است.

۲. ماده ۴۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: «در هر معاونت اجرای احکام کیفری، واحد سجل کیفری و عفو و بخشودگی برای وظایف زیر تشکیل می‌شود:

الف) ایجاد بانک اطلاعاتی مجرمان خطرناک، متهمان تحت تعقیب و متواری و محکومان فراری
ب) تنظیم برگ سجل کیفری محکوم علیه در محکومیت‌های مؤثر کیفری با ثبت و درج مشخصات دقیق و انگشت و تصویر وی به صورت الکترونیکی
پ) ثبت و ارسال درخواست عفو محکوم علیه و نیز پیشنهاد عفو یا تخفیف مجازات محکومان

3. Incriminate himself/self- Incrimination.

4. Confess guilt/confession.

انگشت نگاری یا عکسبرداری پیش‌بینی شده به وسیله دادستان شهرستان و یا بازپرس، مطابق شرایط پیش‌بینی شده در ماده ۳-۷۸ خودداری ورزند به سه ماه حبس و ۳۷۵۰ یورو جریمه نقدی محکوم می‌گردند».

اشخاصی که حداکثر چهار ساعت به منظور کنترل هویت و انگشت نگاری و عکسبرداری شبیه حالت تحت‌نظر در مکانهای پلیس نگهداشته می‌شوند برخلاف اصل بیگناهی، و مجازات آنها نیز برخلاف موازین حقوقی و اسناد بین‌المللی است.

۲-۴-۷. تعویق حقوق تحت‌نظر با عدم پیش‌بینی آن در اجرای مفاد نیابت‌های قضایی در ایران

اشخاصی که در قالب نیابت قضایی در خارج از حوزه قضایی مرجع معطی نیابت، توسط ضابطان دستگیر، و به صورت تحت‌الحفظ نزد مقام قضایی بدرقه می‌شوند در مدتی که شخص از لحظه دستگیری تا حضور نزد آن مقام در حالت تحت نظر ضابطان قرار می‌گیرد باید از حقوق شخص تحت‌نظر برخوردار شود. ماده ۱۵۴ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه چنین حقی را برای اشخاصی پیش‌بینی کرده است که در اجرای نیابت قضایی تحت‌نظر قرار می‌گیرند؛ ولی این امر در قانونگذاری ایران مغفول مانده و به سکوت برگزار شده است. شاید به نظر برسد که چون شخص در اجرای نیابت، تحت بازجویی قرار نمی‌گیرد، پس نیازی به پیش‌بینی حقوق تحت نظر در این مورد نباشد ولی می‌توان گفت که در طول بدرقه، که مدت آن همانند دوره تحت نظر نباید از ۲۴ ساعت بیشتر باشد، باید از حقوق شناخته شده برای تحت نظر از جمله حق برخورداری از وکیل، حق اطلاع‌رسانی و حق معاینه پزشکی بهره مند شود؛ چرا که پس از حضور نزد مقام قضایی، وفق ماده ۱۸۵ آیین دادرسی کیفری آن مقام باید تفهیم اتهام کند که چه بسا با صدور قرار تأمین کیفری می‌تواند به بازداشت و سلب آزادی شخص منجر گردد. قانون آیین دادرسی کیفری، آمر است و حقوق طرفین پرونده به وسیله آن به رسمیت شناخته می‌شود و تا زمانی که در قانون چنین حقی برای شخص تحت‌نظر شناسایی نشود نه می‌توان مسؤلیتی بر ضابطان از بابت عدم اجرای آن حقوق بار کرد و نه ضمانت اجرایی وجود خواهد داشت. با عنایت به این موارد به نظر می‌رسد عدم پیش‌بینی صریح حقوق شخص تحت نظر در مدت اجرای نیابت‌های قضایی به نقض حقوق انسانی و شهروندی وی منجر می‌شود و با اصول حاکم بر دادرسیهای کیفری مغایر باشد.

۲-۵. نمودار مقایسه‌ای تعویق حقوق شخص تحت نظر

با توجه به بررسیها درباره حقوق مرحله تحت نظر در نظام حقوقی ایران و فرانسه و مطالعه حقوق و محدودیتهایی که شخص تحت نظر در برخورداری از این حقوق در این دو کشور با آنها رو به رو ست در مقام مقایسه مقررات حقوقی این دو کشور، تفاوتها و شباهتهای آنها به ترتیب جدول ذیل است:

جدول (۱): مقایسه تطبیقی تعویق حقوق شخص تحت نظر

ردیف	حقوق شخص تحت نظر	فرانسه	ایران	تشابه	تفاوت
۱	تعویق حقوق در مدت نگهداری (در مدت تحت نظر و برای استماع)	تعویق	—	—	بر خلاف نظام حقوقی ایران در فرانسه تعویق تا ۱۹۲ ساعت (هشت) روز امکان دارد.
۲	تعویق حقوق با چگونگی اطلاع رسانی	تعویق	تعویق	در هر دو نظام حقوقی امکان تعویق بنا بر ضرورت و تشخیص مقامات پلیس و ضابطان قضایی وجود دارد.	در فرانسه تعویق حقوق شخص تحت نظر با تعبیر "ضرورت تحقیقات" و در ایران با واژه "ضرورت" بیان شده است.
۳	تعویق با چگونگی بهره‌مندی از وکیل (در جلسه استماع و مواجهه و براساس نوع جرم ارتكابی)	تعویق	تعویق	در هر دو نظام حقوقی امکان تعویق براساس نوع جرم ارتكابی وجود دارد.	در فرانسه علاوه بر امکان تعویق براساس نوع جرم ارتكابی، تعویق در جلسه استماع و مواجهه نیز وجود دارد.
۴	تعویق حقوق با چگونگی بهره‌مندی یا ضبط آثار سمعی و بصری	تعویق	—	—	در ایران چنین حقی برای تحت نظر شناخته نشده است.
۵	تعویق حق تحت نظر با خودداری از انگشت نگاری و عکسبرداری	تعویق	—	—	در ایران چنین حقی برای تحت نظر شناخته نشده است.
۶	تعویق حق تحت نظر در اجرای نیابتهای قضایی	—	تعویق	—	برخلاف نظام حقوقی فرانسه در ایران چنین حقی برای شخص تحت نظر در اجرای نیابت قضایی شناخته نشده است.

۳. نتیجه‌گیری

با بررسی قوانین آیین دادرسی کیفری فرانسه و ایران درباره حقوق شخص مظنون در مدت تحت نظر نزد مقامات پلیس، نتایج زیر را می‌توان به دست آورد:

مرحله تحت نظر به عنوان اولین مرحله از مراحل دادرسی در نظام حقوقی فرانسه از پیشینه تاریخی برخوردار است و مرحله‌ای نام آشنا در این کشور به شمار می‌رود؛ ولی در نظام حقوقی ایران برای اولین بار این اصطلاح در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مورد استفاده مقنن قرار گرفت و مقرراتی در این زمینه پیش‌بینی شد.

تحت نظر با دستگیری و بازداشت موقت یا توقیف احتیاطی متفاوت است. تحت نظر حالتی است که شخص بعد از دستگیری و برای مدت کوتاهی نزد مقامات پلیسی یا قضایی قرار می‌گیرد. بنابراین دستگیری، اقدامی قبل از مرحله تحت نظر، و بازداشت موقت یا توقیف احتیاطی نیز از نظر زمانی طولانی‌تر از آن است طوری که ممکن است بازداشت موقت تا مرحله صدور حکم نیز

ادامه یابد؛ اما تحت نظر موقتی است و تنها ساعات اولیه از مرحله تحقیقات مقدماتی را شامل می‌شود.

در نظامهای حقوقی ایران و فرانسه با توجه به پیش‌بینی تشریفات خاص و واگذاری اختیار قانون به مقامات پلیس به منظور تحت نظر قرار دادن شخص مظنون به ارتکاب جرم مشهود با حقوق ویژه مشخص شده در قانون، می‌توان گفت که تحت نظر قرار دادن شخص در هر دو نظام به عنوان یک دوره مهم دادرسی شناخته شده است؛ چرا که هم امکان دخالت دادستان وجود دارد و هم ضابطان و مقامات پلیس زیر نظر مقام قضایی اقدام می‌کنند. هم‌چنین پس از پایان فرایند دادرسی و رسیدگی در مرحله اجرای حکم، مدتی که شخص تحت نظر قرار گرفته است از مدت حبس کسر می‌گردد.

با توجه به بررسی هر دو نظام حقوقی، شخص تحت‌نظر دارای حقوقی است که در مواردی قانونگذار با پیش‌بینی استثنائاتی موجبات تعویق حقوق تحت‌نظر را فراهم می‌کند. مهمترین مصداقهای حقوق که برای شخص تحت نظر در قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه دیده می‌شود، عبارت است از: حق تعیین تکلیف در مهلت معقول (کوتاهترین زمان)، حق اطلاع‌رسانی، حق داشتن وکیل، حق معاینه پزشکی، حق ضبط و آثار سمعی و بصری، حق مصونیت مراسلات مخبراتی و حق تضمین آزادی عمل (خودداری از انگشت نگاری و عکسبرداری). از بین این مصداقها؛ حق ضبط و آثار سمعی و بصری و حق تضمین آزادی عمل در خودداری از انگشت‌نگاری و عکسبرداری در نظام حقوقی ایران پیش‌بینی نشده است.

هر چند در قانون فرانسه تشریفات مرحله تحت نظر و حقوق شخص مفصلتر و با دقت لازم نسبت به قانون ایران تدوین شده است، حقوق شخص تحت نظر با استثنائات بیشتری رو به رو شده است. شاید بتوان گفت که گرایش قانونگذار به سمت اعمال محدودیتها و استثنائات بیشتر در مقابل قواعد عمومی و مسلم، همچون تمسک‌های استثنایی و مکرر مدت تحت نظر و محرومیت‌های موقت متهم از برخی از حقوق با اصول حاکم بر دادرسیهای جزایی مغایر است و نشان‌دهنده حاکمیت رویکرد امنیتی در دادرسی‌ها باشد.

در هر دو نظام حقوقی اولین نتیجه تحت نظر قرار دادن شخص مظنون به ارتکاب جرم، تعویق و سلب آزادی شخص حداقل به مدت ۲۴ ساعت و با امکان تمدید آن به بیش از آن مدت در فرانسه است که شایسته است در جهت حفظ و رعایت مهمترین حقوق اشخاص، که همان آزادی است، مدت تحت نظر تا حد امکان محدود و غیر قابل تمدید باشد و در اسرع وقت نزد مقام قضایی حاضر شود تا تعیین تکلیف شود و در مواقع ضروری نیز پس از تفهیم اتهام و با تشخیص و دستور آن مقام، تحت نظر پلیس و ضابطان قرار گیرد و با اعمال این گونه استثنائات که مخالف

اصل براءت و اصل تساوی سلاحها است و امکان سؤاستفاده از آنها نیز بعید نیست، موجب سلب آزادی از شخص تحت نظر نشود.

۴. پیشنهادهای کاربردی

- با وجود پیش‌بینی مرحله‌ای تحت عنوان «تحت نظر» در نظام حقوقی ایران، هنوز پژوهش‌هایی که بتواند موجبات شناسایی این مرحله را فراهم کند، انجام نشده است. حتی بین حقوقدانان، قضات و وکلای نیز تفاوت‌های این مرحله با بازداشت یا توقیف احتیاطی و لزوم حساسیت نسبت به آن به صورت کامل تبیین و مشخص نشده است؛ لذا پیشنهاد می‌شود با پژوهش‌های کاربردی، خلأهای تحقیقاتی در این زمینه برطرف شود.

- بر خلاف نظام حقوقی فرانسه، که در آن متناسب با درجه جرم ارتكابی، زمانهای مشخصی برای مرحله تحت نظر پیش‌بینی شده در ایران برای همه جرائم مدت زمان واحد ۲۴ ساعت تعیین شده است؛ لذا پیشنهاد می‌شود مقنن به مانند نظام حقوقی فرانسه با توجه به درجه اهمیت جرائم ارتكابی نسبت به تعیین مدت تحت نظر اقدام کند.

- در نظام حقوقی ایران در ارتباط با برخی حقوق و محدودیتهایی که در نظام حقوقی فرانسه برای شخص تحت نظر پیش‌بینی شده است، خلأهای قانونی وجود دارد که اقدام بایسته مقنن در رفع این موارد ضروری به نظر می‌رسد.

۵. سپاسگزاری

بدین وسیله از حمایت‌های دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه و نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران که در انجام این تحقیق ما را یاری کردند کمال تشکر و قدردانی را داریم.

- آخوندی، محمود (۱۳۹۰)، آیین دادرسی کیفری - ج چهارم: اندیشه‌ها، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد،
- آشوری، محمد (۱۳۹۵)، آیین دادرسی کیفری (با آخرین اصلاحات)، ج ۲، انتشارات سمت،
- آشوری، محمد و سپهری، روح الله (۱۳۹۲)، بررسی تطبیقی تحت‌نظر در آیین دادرسی کیفری ایران و فرانسه، آموزه های حقوق کیفری، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ش ۶
- آشوری، محمد؛ بشریه، حسین؛ یزدی، عبدالمجید و هاشمی، سید محمد (۱۳۸۳)، حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت، تهران: نشر گرایش.
- آشوری، محمد (۱۳۷۶)، عدالت کیفری، تهران: انتشارات گنج دانش.
- اردبیلی، محمد علی (۱۳۸۳)، نگهداری تحت‌نظر، علوم جنایی (مجموعه مقالات)، تهران: نشر سمت
- امید، جلیل (۱۳۸۳)، آشوری و حقوق دفاعی متهم، علوم جنایی (مجموعه مقالات)، تهران: نشر سمت،
- تدین، عباس (۱۳۹۴)، قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، ج دوم، تهران، انتشارات خرسندی.
- جهانگیری، علیرضا (۱۳۹۸)، وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی، انتشارات معاونت حقوقی و امور مجلس
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۶)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج اول، گنج دانش
- حیدری، الهام (۱۳۹۴)، حقوق دفاعی متهم در «دوران تحت‌نظر» در قانون آیین دادرسی کیفری و بررسی تطبیقی آن با حقوق انگلستان، فصلنامه دیدگاه های حقوق قضایی.
- خالقی، علی (۱۳۹۳)، نکته هادر قانون آیین دادرسی کیفری، ج سوم، تهران: انتشارات شهر دانش.
- خالقی، علی (۱۳۹۶)، آیین دادرسی کیفری، تهران مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، چاپ نخست
- دادبان، حسن (۱۳۷۷)، آیین دادرسی کیفری، ج اول، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.

- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت نامه دهخدا، انتشارات دانشگاه تهران، چ چهارم.
- زراعت، عباس (۱۳۹۴)، آیین دادرسی کیفری، ج ۱، انتشارات میزان
- ژان پرادل (۱۳۸۱)، تاریخ اندیشه های کیفری، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، تهران، انتشارات سمت،
- ساقیان، محمد مهدی (۱۳۹۳)، تقویت حقوق و آزادیهای متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی آیین دادرسی کیفری ۹۲، پژوهش حقوق کیفری، س دوم، ش ششم
- سپهری، روح الله (۱۳۹۵)، آیین دادرسی کیفری، تهران: انتشارات دادگستر.
- علیزاده، اکبر (۱۳۹۴)، حقوق شهروندی در نظام کیفری ایران، چ دوم، انتشارات فانار
- فرجیها، محمد و مقدسی، محمدباقر (۱۳۹۰)، حق متهم برای مطلع ساختن اعضای خانواده خود نسبت به دستگیری و محل بازداشت، فصلنامه کارآگاه، ش ۱۶
- فضائی، مصطفی (۱۳۸۹)، دادرسی عادلانه، چ دوم، تهران: انتشارات شهر دانش.
- کاشفی اسمعیل زاده، حسن (۱۳۷۸)، آیین دادرسی کیفری فرانسه، تهران: انتشارات گنج دانش.
- معین، محمد (۱۳۸۶)، فرهنگ فارسی، انتشارات امیر کبیر، چ بیست و چهارم، ۱۳۸۶
- مؤذن زادگان، حسنعلی (۱۳۸۹)، تضمینات حقوق دفاعی متهمان و امر بازجویی در مرحله تحقیقات مقدماتی، پژوهش حقوق و سیاست، س دوازدهم، ش ۲۸
- نیازپور، امیر حسین (۱۳۸۶)، حق متهمان مبنی بر داشتن وکیل در فرایند دادرسی کیفری؛ جلوه ای از حقوق کیفری، مجله حقوقی دادگستری، ش ۵۸
- ویژه، محمد رضا؛ فنازاد، رضا و طاهری، آزاده السادات (۱۳۸۹)، مبانی نظری حق برخورداری از امنیت حقوقی با تأکید بر نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات مجد.
- Bell, J., S. Boyron & S. Whittaker (1998), **Principles of French law**, Oxford University Press.
- Buisson, Jacques, "La Garde à Vue Dans la Loi du 15 Juin (2000)", **Revue de Sciences Criminelles et de Droit Pénal Comparé**, no. 1, Janvier et Mars 2001,
- Bulletin Officiel du Ministère de la Justice, Circulaire du 13 décembre 2016 présentant les dispositions de la loi, du 18 novembre 2016 de modernisation de la justice du XXIème siècle, relatives à la justice pénale des mineurs,
- Denning Lord, (1949), **Freedom under the Law**, London: Stevens & Sons Limited.
- Lazerges. Ch (2000), **Le Renforcement de la Présomption d'Innocence et les Droits des Victimes**, A.P.C.n 22.